

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ

علامه حبیبی ص ۲

دخوشحال په شهرکي د اورنگ زيب څيره

مخ ۳

Ketabton.com

سال هشتم، دور چهارم، شماره پيهم هشتاد و هفتم

اول اگست ۲۰۰۹ ميلادی

عليه تروريزم، از امريکا باج ميگيرد

یادی از چهره تابناک علم و فرهنگ، علامه حبیبی

نار احمد صد

۱۸- تصحیح، تحشیه و مقابله مختصر وافی بقواعد قوافی ۱۳۶۳ ش، (دری).

علامه حبیبی همچنان در تراجم برخی آثار قدیم و ارزشمند نیز کمر همت بسته و مصدر خدمات شایانی برای حلقه های دانش و پیش ماورای خود گردیده، از آنجمله هست.

۱- سبزه گان سرگردانده سبزیان اثر نویسنده شهر فرانسوی ویکتور هوگو، بزبان پشتو (که بعد از ۱۳۱۰ ش بطور مسلسل در حریده طلوع افغان بچاپ رسیده است.

۲- د البیرونی کتاب شود اثر احمد سعید خان که از انگلیسی به پشتو برگردانده شده، ۱۳۵۲ ش. البته در تصحیح و اکمال کتاب نیز بوجه احسن اصلاحات لازمی ضم گردیده است.

۳- چهار مقاله بر فردوسی و شاهنامه اثر پروفیسور محمود خان شیرانی که از اردو بزبان فارسی برگردانده شده است (۱۳۵۵ ش). در این ترجمه تحشیه و تفاسیل پوهاند حبیبی بر اهمیت و کیفیت کتاب بیش از پیش افزوده است.

۴- زندگینامه بوعلی سینا که اثر شاگرد شیخ الریس ابوعلی سینای بلخی (ابو سعید جوزجانی) بوده، پوهاند حبیبی از عربی طور انتقادی به فارسی برگردانده و بعلاوه ترجمه آن تحشیه، تعلیقات و مقدمه نهایت آموزنده ایشان به کتاب ارجح فراوان میگردد (۱۳۵۹ ش).

علامه حبیبی تألیفات و آثار بس نافع و در حوزة اعتدالی را که همواره جامع، پر محتوی و خیلی ها ارزشمند بوده به مردم کشور، منطقه و حتی حلقه های علمی و فرهنگی گیتی تقدیم داشته است. برخی از این میراث فرهنگی استاد حبیبی مختصراً چنین بر شمرده میشود:

۱- پیغام شهید (مثنوی دری بوده و در سال ۱۳۱۴ ش چاپ شده است.

۲- غزله (مثنوی دری، سال چاپ ۱۳۱۵ ش).

۳- پسرلی سدری (اثر منظوم به پشتو ۱۳۱۷.

۴- پینتانه شعراً (در دو جلد بزبان پشتو که جلد اول آن در ۱۳۲۰ بچاپ رسیده است.

۵- د پشتو ادبیاتو تاریخ (جلد اول: ۱۳۲۵، با اضافات، چاپ دوم در ۱۳۵۴ پشتو.

۶- د پشتو ادبیاتو تاریخ (جلد دوم در سال ۱۳۲۹ از طریق شماره های مسلسل مجله کابل چاپ و بصورت کتاب در ۱۳۳۸ ش و چاپ دوم با اضافات در ۱۳۴۲ مجدداً چاپ گردید پشتو.

۷- تاریخ افغانستان در عصر گورگانی هند (۱۳۴۱ دری).

۸- مثنوی دری ۱۳۴۶ مجموعه نوت های درسی برای صنف سوم پوهنځی ادبیات.

۹- تصوف ۱۳۴۶ مجموعه نوت های تدریسی برای محصلین پوهنځی ادبیات دری.

۱۰- د پښتو ادب تاریخ ۱۳۴۷ مجموعه نوت های درسی برای صنف سوم پوهنځی ادبیات.

۱۱- د پښتو ادب لند تاریخ ۱۳۴۷ مجموعه نوت های درسی برای صنف چهارم پوهنځی ادبیات.

۱۲- تاریخ مختصر افغانستان (جلد های اول و دوم ۱۳۵۶ دری.

۱۳- افغانستان بعد از اسلام ۱۳۵۷ در تهران چاپ شده است.

۱۴- مشاهیر اندالیان (دری).

۱۵- مورخان گننام افغان (دری).

۱۶- جنبش مشروطیت در افغانستان (اثر واپسین علامه حبیبی ۱۳۶۳ دری.

علامه حبیبی که دانشمند کثیرالابعدی، یعنی ادیب، تاریخ نویس، شاعر، نویسنده، ژورنالیست، زبان شناس، متعارف جغرافیه باستانی و رادمردان نامی آن بود، همواره با فرهنگ کشور عشق سرشاری داشت. در اثر کاوشها، پژوهشها و زحمات فراوان شیاروژی خود صدها نکته ناگفته، مبهم و تاریک را در تاریخ و فرهنگ کشور روشن نمود و کارنامه هایی درین بخش دانش از خود باقی گذاشت که نامش و یادش را در پرا زنده و جاوید نگه خواهد داشت. پوهاند حبیبی همیشه در سیمبیارهای علمی بسوی ملی و بسایر المللی اشتراک فعال و همواره در جنب محافلی افتخار صدرستی را بر عهده میداشت.

علامه حبیبی جسماً از جهان رفت لیک یاد و نام او ابداً در قلوب دانش پژوهان افغان و غیر افغان جاویدانه خواهد ماند، در عربی یک مقوله است که گوید: موت العالم موت العالم یعنی وفات یک دانشمند، وفات عالم است.

علامه حبیبی از پژوهندگان صاحب نظر و کاوشگران ژرفنگر و آموزگار بس صمیمی بود که برای دست یافتن به حقایق تاریخی و رمز فرهنگی با بسرومندی و فرزانیگی ایکه داشت همه گونه تلاش عالمانه را بکار می بست، از پیرو آثار تدوین کرده و تصحیح شد این فریخته پرمایه در کلبه بسیاد های علمی کشور، منطقه و جهان بحث مراجع با اعتبار و مستدل قبول شده و پژوهشگران حلقه های تحقیقی زبان، فرهنگ و تاریخ از این داشته ها سود می برند و مستفید می شوند.

علامه حبیبی در دوران زندگی علمی و فرهنگی اش تقریباً برای مدت شصت سال بیش از یکصد و سی و دو کتاب و رساله نشت و نیز مثنوی قدیم پشتو و دری را به شیوه های امروزی پژوهش تهیه، ترتیب و تحقیق نموده، در حدود هشتصد نشته کوتاه ولی خیلی ها پر ارزش را بسیادگار گذاشته که بگونه مقالات در نشریه های موقوت کشور و منطقه منتشر شده است. البته آثار نشر نشده زیادی نیز از استاد باقی مانده است که دستویس ها و مسودات آن در گنجینه پر بهای آثارش نگهداری میشود. ■

باستان را حایز بود که این امر منجر به تنوع و تعدد مدارک و مأخذها در هر نوشته وی میگردد و بدون تردید بر نفع بودن، مستند بودن و معتبر بودن هر اثر پوهاند حبیبی اهمیت شایانی گذاشته است.

شمار یاد داشت ها و تعلق ها و حواشی و تصحیحات و تراجم و مقالات پوهاند حبیبی زیاد بوده البته در میان کارهای تحقیقی و سعی شادروان حبیبی تصحیح و تحشیه و تعلق و مقابل جند من معتبر کلاسیک و نایاب از همه بر حسته تر و مشخصتر اند که نام برخی از آنها بدین قرار میباشد.

۱- تصحیح و مقابله دیوان خوشحال ختک، ۱۳۱۷ ش در کندهار (پشتو).

۲- تصحیح و تحشیه دیوان عبدالقادر ختک، ۱۳۱۷ ش، کندهار (پشتو).

۳- تصحیح، تحشیه و مقابله دیوان لوی احمد شاه بابا، ۱۳۱۹ ش (پشتو).

۴- تصحیح و تحشیه و تعلق و ترجمه پته خزانه که بارها مورد مباحثه و ارزشیابی حاسدین و بد خواهان فرار گرفته و استاد با درایت، حوصله مندی و سر بلندی محض از همه آن مؤفق بدر آمده.

(۱۳۲۲ ش) و در سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۴ و ۱۳۵۷ بعد تر نیز تجدید چاپ شده است.

[دری] این وثیق نادر بعداً به زبانهای روسی، انگلیسی و آلمانی نیز ترجمه شده است.

۵- تصحیح، تحشیه و مقابله طقات ناصری (جلد اول در ۱۳۲۸ در کویت و جلد دوم در ۱۳۳۳ در لاهور چاپ شده و نیز بار دوم با زوایدی، جلد اول در سال ۱۳۴۲ و جلد دوم آن در ۱۳۴۳ در کابل بچاپ رسیده است) (دری).

۶- تصحیح و تحشیه و مقابله تازه نوای معارک، ۱۳۳۹ ش، چپ کراچی (دری).

۷- تصحیح و تحشیه و مقابله طبقات الصوفیه ۱۳۴۲ ش [دری] و نیز به اهتمام حسین آهی در ۱۳۶۲ ش بار دوم در تهران بچاپ رسیده است.

۸- تصحیح و تحشیه و تعلق و مقابله زمین الاخبار ۱۳۴۷ ش، تهران (دری).

۹- تصحیح و تحشیه و تعلق فضایل سلخ ۱۳۴۸ ش، در تهران (دری).

۱۰- تصحیح، تحشیه و مقدمه صد میدان ۱۳۴۱ ش، (دری).

۱۱- تصحیح، تحشیه و مقدمه سررشته طریقه خواجگان ۱۳۴۳ ش، (دری).

۱۲- تصحیح، تحشیه و تعلق السواد الاعظم ۱۳۴۸ ش، در تهران.

۱۳- تحشیه و مقدمه شرح سبتین مثنوی ۱۳۵۱ ش، (دری).

۱۴- تحشیه و مقابله حدیقه الحقیقه ۱۳۵۶ ش، (دری).

۱۵- تحشیه و مقابله سواتنامه ش، (پشتو).

۱۶- تحشیه، تعلق و مقدمه روضه الفریقین ۱۳۵۸ ش، در تهران (دری).

۱۷- تحشیه و تعلق تذکرت الاولیا ۱۳۶۱ ش، (پشتو).

البته این اثر ارزشمند توسط علامه حبیبی در ۱۳۱۹ ش و بعد در ۱۳۲۰ با ترتیب در سالنامه کابل و در پینتانه شعراً بچاپ رسیده بود.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهنتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهنتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهنتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهنتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در اثر خدمات والای خود در ساحه معارف و علم مؤفق به دریافت نشان درجه دوم معارف شده و در سال ۱۳۴۴ ش از طرف پوهنتون کابل مفتخر به درج علمی پوهاند گردید که این امر بسدون تردید از سوی تمام استادان و دانشوران پوهنتون کابل با استقبال شایانی مواجه شد.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

استاد حبیبی در وقت بیک کارمل سمت مشاوریت در قسمت تاریخ در کمیته دولتی کلتور را عهده دار شد؛ ولی برای مدت تقریباً چهارده سال با آلام مرضی قلبی رویاروی بود که بعد از تاریخ شش عقرب ۱۳۶۲ برای مدت تقریباً شش و نیم ماه در بستر واپسین زندگانی فرورفت تا اینکه سرور چهارشنبه بیستم ماه ثور ۱۳۶۳ ش بعمر ۷۸ سالگی به جاودانگان پیوست و حازه شان در شهدای صالحین (رح) بخاک سپرده شد.

عاهده دار بود.

مشاغل دیگر استاد حبیبی عبارت اند از: بحث و کیل تجار افغانی در چین پاکستان، بحث نماینده انتخابی مردم آزادی دوست کندهار در دوره هفتم شورای ملی، برای تقریباً سه سال مدیر مؤسسه مجله کابل، رییس انجمن تاریخ افغانستان از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش بحث استاد دیپارتمنت پشتو و دری در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل و نیز برای مدت زیادی ریاست دیپارتمنت پشتوی این پوهنځی. در سال ۱۳۵۷ برای مدت یکسال بحث استاد دوره ماستری ادبیات پشتو و دری ایفای وظیفه نمود.

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکر یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال ستیزه جو بسایب عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صنف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحیث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گزینش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحیث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منبیت مدیر مؤسسه همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حبیبی در این مدت، مصدر خدمات سترگ ادبی و پژوهشی گردیده است. در این زمان تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت، اداره و نظارت بر استادان آن رسماً بعهد استاد حبیبی بود؛ بخاطر بکه مدیران مسؤل روزنامه ها در ولایات در عین زمان مدیران مطبوعات نیز بودند و اداره کورسهای پشتو یکی از وظایف عمده ایشان محسوب میگردد در جریان همین فعالیت های خلاقانه استاد حبیبی بود که اداره طلوع افغان، آثار مهم تدریسی بزبان پشتو را چاپ نمود مانند:

سپینخلی پښتو (قاموس فارسی- پشتو حاوی ده هزار لغت، با همکاری لعل محمد کاکر، ۱۳۱۸ ش).

پوهاند حبیبی از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ مقام ریاست پشتو توله و معاونیت ریاست مستقل مطبوعات را عهده دار بود.

علامه حبیبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحیث مشاور وزارت معارف نیز ایفای وظیفه نمود. باید گفت که تا به ۱۳۲۳ در کشور عزیز مان صرف پوهنځی های طب و حقوق موجود بود که در تشکیل وزارت معارف بودند، ولی در سال ۱۳۲۳ پوهنځی ادبیات نیز در کنار آن تأسیس یافت که استاد حبیبی بحیث نخستین رییس این پوهنځی امور تدریسی و اداری آن را عهده دار شد.

باید یاد آور شد که در بنیانگذاری و ایجاد پوهنځی ادبیات و علوم بشری، پوهاند حبیبی نقش بسزایی داشت؛ از این مدت تا ۱۳۲۵ پوهاند حبیبی بحیث رییس پوهنځی جدیدالتأسیس ادبیات، رییس پشتو توله و نیز منبیت استاد تاریخ این پوهنځی ایفای وظیفه نموده است.

پوهاند حبیبی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ بحیث رییس معارف ولایت کندهار تقرر یافت که در خلال همین مدت امورات اداری و تدریسی تمام مکاتب آن ولایت و نیز افتخار استادی مضمون تاریخ لیه های همان شهر را

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکر یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال ستیزه جو بسایب عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صنف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحیث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گزینش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحیث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منبیت مدیر مؤسسه همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حبیبی در این مدت، مصدر خدمات سترگ ادبی و پژوهشی گردیده است. در این زمان تدریس زبان پشتو برای کارمندان دولت، اداره و نظارت بر استادان آن رسماً بعهد استاد حبیبی بود؛ بخاطر بکه مدیران مسؤل روزنامه ها در ولایات در عین زمان مدیران مطبوعات نیز بودند و اداره کورسهای پشتو یکی از وظایف عمده ایشان محسوب میگردد در جریان همین فعالیت های خلاقانه استاد حبیبی بود که اداره طلوع افغان، آثار مهم تدریسی بزبان پشتو را چاپ نمود مانند:

سپینخلی پښتو (قاموس فارسی- پشتو حاوی ده هزار لغت، با همکاری لعل محمد کاکر، ۱۳۱۸ ش).

پوهاند حبیبی از ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۰ مقام ریاست پشتو توله و معاونیت ریاست مستقل مطبوعات را عهده دار بود.

علامه حبیبی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحیث مشاور وزارت معارف نیز ایفای وظیفه نمود. باید گفت که تا به ۱۳۲۳ در کشور عزیز مان صرف پوهنځی های طب و حقوق موجود بود که در تشکیل وزارت معارف بودند، ولی در سال ۱۳۲۳ پوهنځی ادبیات نیز در کنار آن تأسیس یافت که استاد حبیبی بحیث نخستین رییس این پوهنځی امور تدریسی و اداری آن را عهده دار شد.

باید یاد آور شد که در بنیانگذاری و ایجاد پوهنځی ادبیات و علوم بشری، پوهاند حبیبی نقش بسزایی داشت؛ از این مدت تا ۱۳۲۵ پوهاند حبیبی بحیث رییس پوهنځی جدیدالتأسیس ادبیات، رییس پشتو توله و نیز منبیت استاد تاریخ این پوهنځی ایفای وظیفه نموده است.

پوهاند حبیبی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۶ بحیث رییس معارف ولایت کندهار تقرر یافت که در خلال همین مدت امورات اداری و تدریسی تمام مکاتب آن ولایت و نیز افتخار استادی مضمون تاریخ لیه های همان شهر را

دانشمند، پیشمند و اندیشمند سترگ ادب و فضل، پوهاند عبدالحی حبیبی یکی از پیشازان فرهنگ معاصر کشور مان محسوب میگردد.

پوهاند حبیبی به سال ۱۳۲۸ هجری قمری در شهر تاریخی و حماسه آفرین کندهار دیده به جهان گشود. وی پسر عبدالحق کاکر یکی اعضای دودمان روشن دماغ و آگاه و در عین حال ستیزه جو بسایب عدالتی و مطلق العنانی، که توانست در سال ۱۳۰۴ شمسی از صنف پنجم فارغ و نظر به استعداد و ذکاوت خاصی که داشت در همان سال بحیث معلم در شهر کندهار تقرر یابد.

استاد حبیبی بلادرنگ آغاز گزینش و قلم فرسایی گردیده و وارد سلسله مقالات سودمند تحقیقی و اشعار در جریده طلوع افغان در کندهار شد.

وی در سال ۱۳۰۶ شمسی بحیث معاون جریده طلوع افغان و از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ ش منبیت مدیر مؤسسه همان جریده ایفای وظیفه نموده که این پست را با موفقیت و به گونه ابتکاری مداوم بخشید.

علامه حب

دخوشحال په شرکي د اورنگ زيب څيره

د هندي گورگانسانو په پاچهانو کي اورنگ زيب يو مستبد، محيل، متعصب او بي تقوا حکمران تير شوي دي دخپلي پاچهي په ډيره اوږده دوره کي يعني نژدي پنځوس کاله کي بي د هندوستان ټول اولسونه په کم اور او استل ټوڅکه دا دوره توره تياره توصيف شوي ده او د اورنگ زيب په دم کي د هندوستان دهغه وخت معروفو او ولسي شاعرانو ډيره څه ويلي دي.

د دغي جملې څخه د سنگال يو شاعر موکاندرام جکرورتي د مغولي دربار استبداد پر ضد په خپل يوه شعر کي وايي:

زموږ سپين سبا ددوي له ظلم څخه په نور ماينام بدل شويدې خو ژر به دا وينکو بارانونه په يوه هوشاک توفان بدل شي او ددوي پيري پکښي غرقه شي.

د اورنگ زيب په امپراطوري کي خوشحال خان خټک بل هغه يوازني شاعر دي چي په خپلو اشعارو کي يي د اورنگ زيب انځور ډير روښانه ايستلي او دهغه څخه يي د يوه لوي اولس په نماينده گي خپل نفرت څرگند کړي دي.

د اورنگ زيب دشاهجهان دريم زوي و چي د يوي ژوري توطي په عملي کولو يي پلار له تخته وغورځاوه، زندان ته يي واستاوه د سرورور دارانکو سر يي بړکيل کړ او ددوي سرورور سندن سجاج وړ څخه

استيد او خپله وړک شوځيني وايي چي دارکان په غرو کي يي زمريانو گي ده ورځيري کړه، کشرورور مراد بخش يي لومړي بندي بيا په زندان کي وواژه، او بالاخره يي اوه کاله پلار په زندان کي وساته خو چي د مرگ غي ډي ته وسپاره.

دغه لويه فاجعه چي په جريان کي وه زمونږ ستر او جنگيالي شاعر دهغي صحنې د سر په سترگو ليدلي او ده پخپله دوه نيم کاله د دغه مستبد او هولناک امپراطور د دهلي او جيبور درنته پور په زندان کي تير کړي وه، خو کله چي ازاد شونو د پښتو

نخوا غروته په رارسيدو يي د مستبد دربار پر ضد قيامونه پيل کړل او داسي جگړي يي ورسره وکړي په يوه جگړه کي يي په زرگونه پيلان، اسان او ډير سره او سپين زر په ولجه يووړل، په زرگونه پادشاهي سپاهيان يي بنديان او داميرانو د کورني

بڼخي يي غروته وځيرولي. خوشحال خان د اورنگ زيب محبيلانه شخصيت داسي انځوروي:

ددې دور شيخان ډير دي لور په لور اورنگ زيب بادشاه دوارو دي انځور په هغه چاره قلم ساز کاقران کښي په هغه چاره شارک پري کا دورور ددغه حيله گر بادشاه په دور کي دده دفتو له لاسه ټولنه هم له يوه مخه دريا کاري په توفان کي لاهو شوه او خوشحال خان هغه داسي انځوروي:

وقت د اورنگ شاه دي دهرچا تسبيح په لاس دي خداي ځيني خبر دي په اخلاص که په لباس دي نازمي او اضطرابات د استبداد څخه رازيري او خوشحال خان ددغي ټولني انځور داسي ترسيموي:

د اورنگ بادشاه په دور ارام نشته چاويل چي جهان ځاي دارامگاه دي په همدغه وخت کي د هند په جنوب او ختيځو برخو کي دانگليس دځيني کمپني او پرتگال ترمنځ د استعمار په جال کي دهند دراکيټلو رقابتونه اوسيايي رواني وي او دربار ډير ډيو په وخت کي و، ددي په اړخ کي فرانسوي استعمار طلبانو د اورنگ زيب تر درباره لاسونه غزولي وه او ددربار با نفوذه شخصيتونو يي په سوغاتونو او رشوتونو را نيول.

خوشحال خان د اصحنه په يوه بيت کي داسي انځوروي:

په دوران ددي بادشاه هوشيار هغه دي چي وطن کابه فرنگ په پرتگال اورنگ زيب لکه يوه بلاد داسي نازل شوي و او دخپل استبداد د جال خپولو په وړاندي هر څه له منځه وړل خوشحال خان وايي:

څه يوازي په مانه ده که ژوندي وي اورنگ شاه به داسي ډير کاندي پايمال چي په پلار باندي يي نه ده صرفه کړي به نور چايي څخه څه يي اشکال خوشحال خان او ملگرو يي د اورنگ زيب پر ضد پخپله دشپرو ډيرو لوسو جگړو قومانداني پر عهده درلوده چي دهغو يادونه داسي کوي:

اول جنگ دلوري شاد تهتري وه چي څلويښت زره مغل شوي تاريخه تاريخه خویندي لوري يي په بند د پښتنو شوي اس اوبنان هاتيان الجبه قطار قطار دوهم جنگ پر حسيني په دوايه کي چي يي وټکيده سر لکه دمار بيا له پسه دنوشهر دکوټ جنگ وه چي مي وکښ تر مغلو خپل خار

پورته کړي وه. ■

بیا له پسه جسوت سينگ شجاعت خان و چې ايمل يي په گنډاب ويوست دمار شپږم جنگ مکرم خان شمشير خان دواړه چي ايمل کړل په خاپښ کي تاريخه تاريخه چي ځمپه ياد وي لوي جنگونه دادي دهلکويه هر لوري نشته شمار هميشه فتح ونصرت دي لاتراوسه پس له داده بياتکيه به گردگار اورنگ زيب راته يو کال وشو چي پروت دي به صورت حيران پریشان په زړه افکار اورنگ زيب دريا کاري يوه مجسمه وه، خپل استبداد ته يي د اسلام رنگ ورکاوه ولي په حقيقت کي هغه د مختلفو فرقو ترمنځ تفرقه اچوله او په ماکياولستي طريقه يي دخپل استبداد عمر او ساحه پراخوله. دده په وړاندي په هندوستان کي سيکانو، مراتيانو، بنگاليانو او نورو سرونه راپورته کړل، خوده سخت وټکول، ولي دخوشحال خان او پښتنو څخه ډير سخت نفرت کاوه لکه خوشحال خان چي وايي:

چي په نام پښتون غورځيري پري خوشيږي اورنگ زيب هسي بادشاه دي داسلام اورنگ زيب کلونه ټلونه د پښتنو سره په تاوده ډگر کي ککره جنگوله خوا بري يي په نصيب نشو په پای کي يي د پښتنو دکمزوري رگ پيدا کړ او پيسي يي ورته وړاندي کړي او پدي توگه يي ددوي ملاورماته کړه خوشحال خان وايي:

خزاني دهندوستان اخوري شوي سره مهراڼ دي ننوري په کوهسار د حيرانتيا ځاي خود ادي چي د اورنگ زيب روږد خوشحال خان زوي بهرام خان هم له لاري ويوست او د پلار پر ضد يي راولاړ کړ خوشحال خان ددغه منحرف اوبی غیرته زوي په باب وايي:

څوک بهرام غوندي منحوس بد بخت بخيل شي په شامت يي خپل خانه شي تاريخه تاريخه منافق ليم مردود د زمانې شي په خپل پلار سره اغز کاندي کارزار بهرام خان چي په ملبوري د اورنگ زيب طلاوي ترلي وي دخل پلار پر ضد قيام پيل کړ، خو خوشحال خان يي په جگړه کي مات کړ او هغه دتوري او قلم پلار ددغه نا اهله زوي له لاسه نروته وخوت او هلته په ۱۶۸۹ کال مړ شو.

خوشحال خان او اورنگ زيب نن نشته خو ددوي دواړو ځيري تاريخه تاريخه پر پانوسو کي ترسيم شوي دي چي د انصاف په تله پريوه بايد رحمت او پرېالفت وويل شي ځکه پوه اولسونه په ريا کړي تر استبداد لاندې ساتل او بل دهغه استبداد پر ضد توره را پورته کړي وه. ■

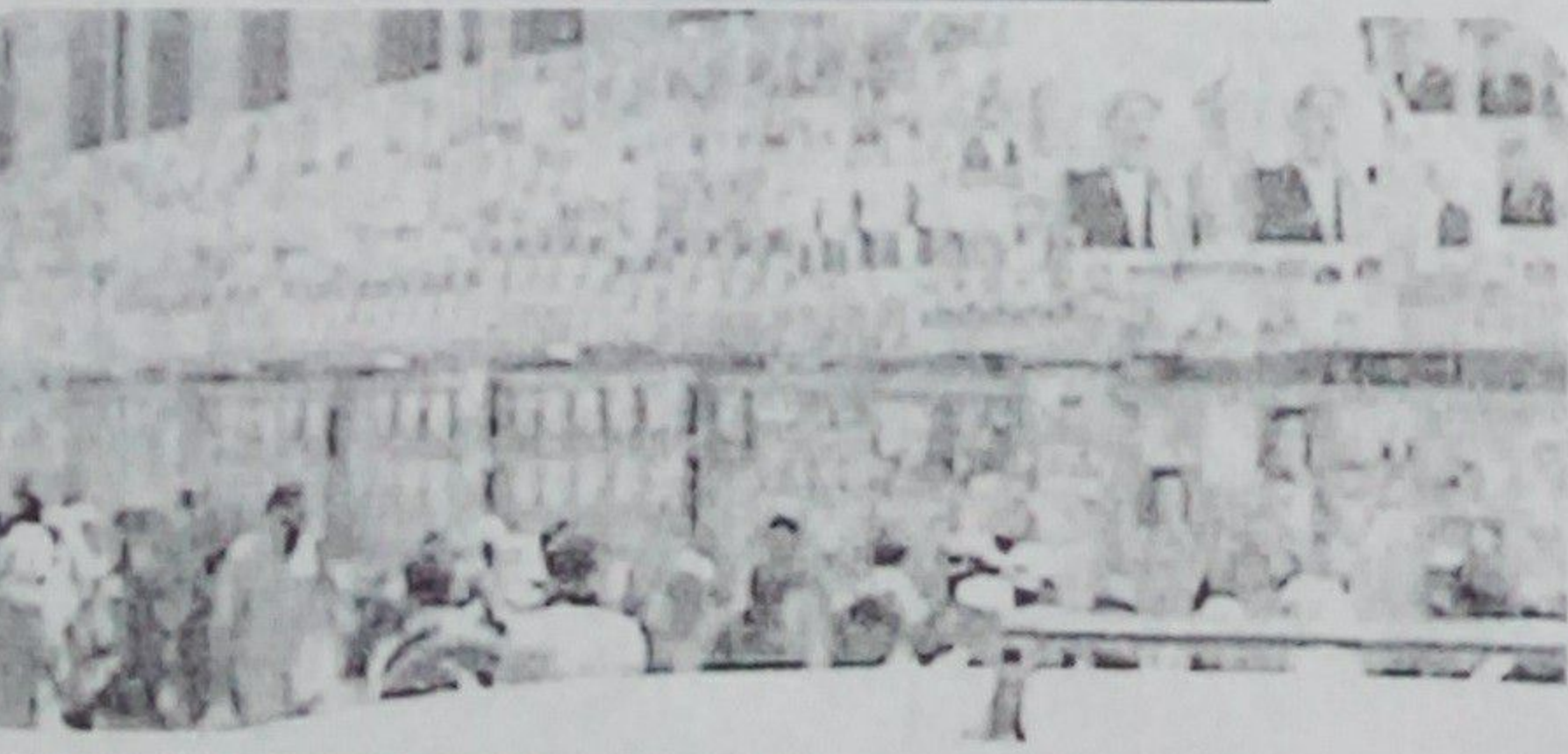
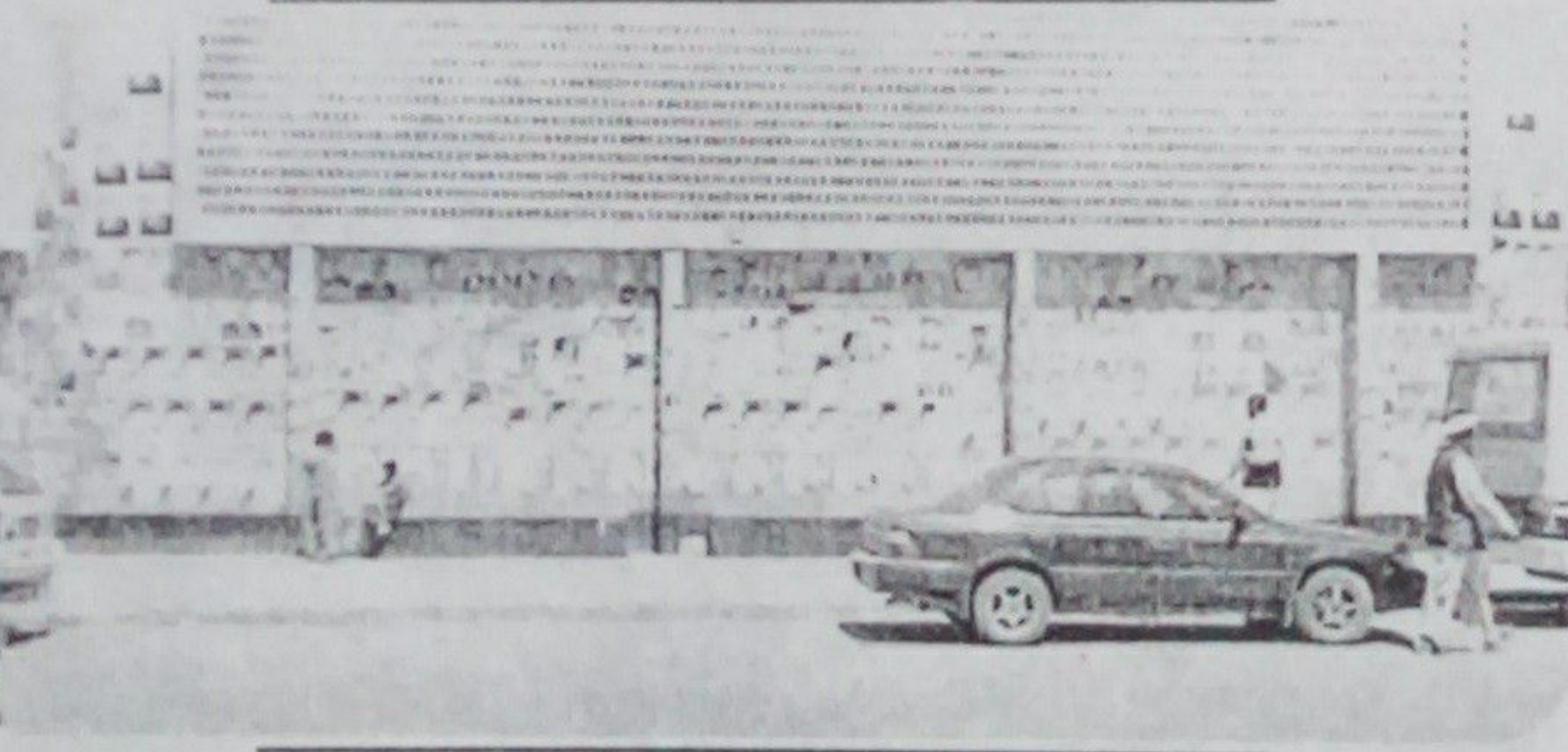
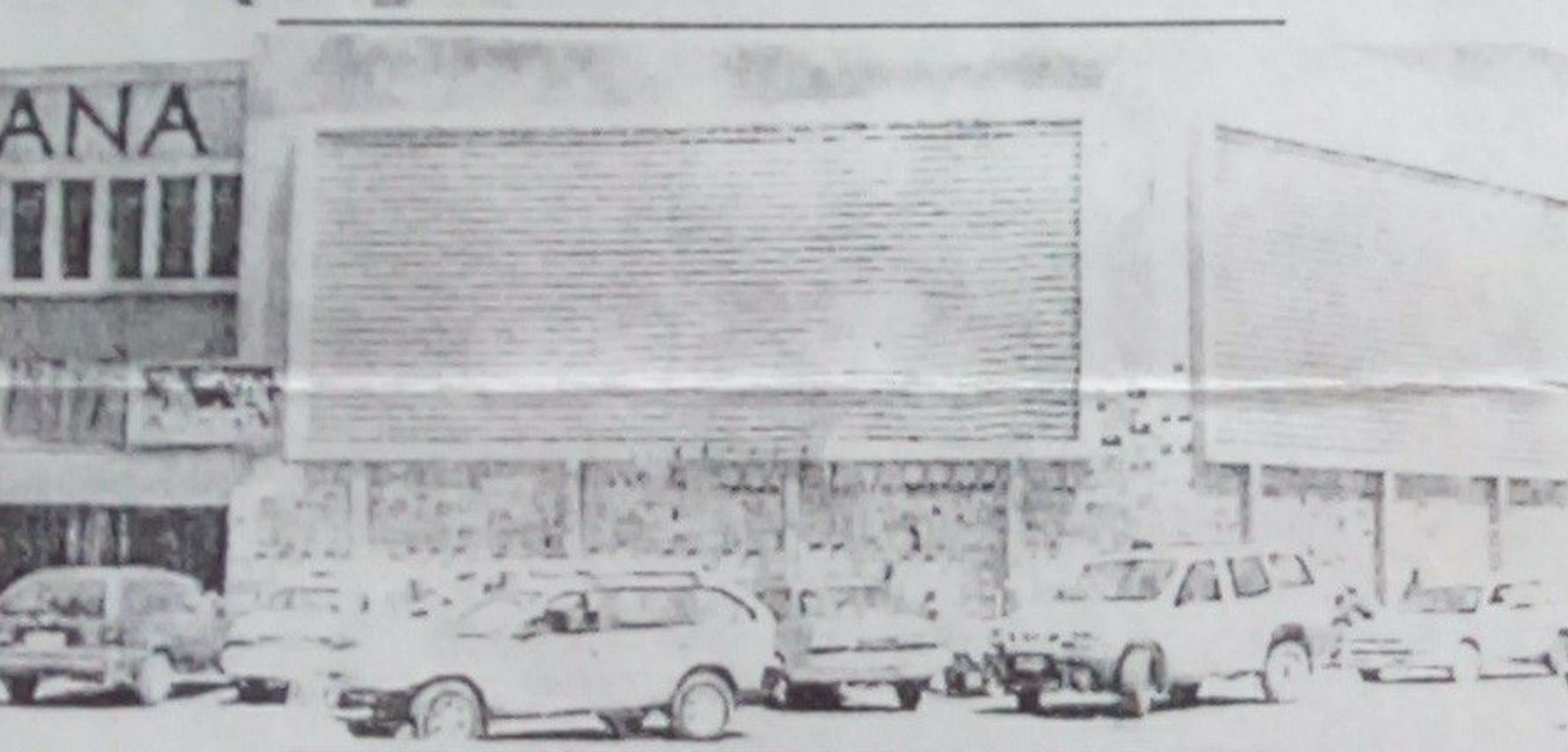
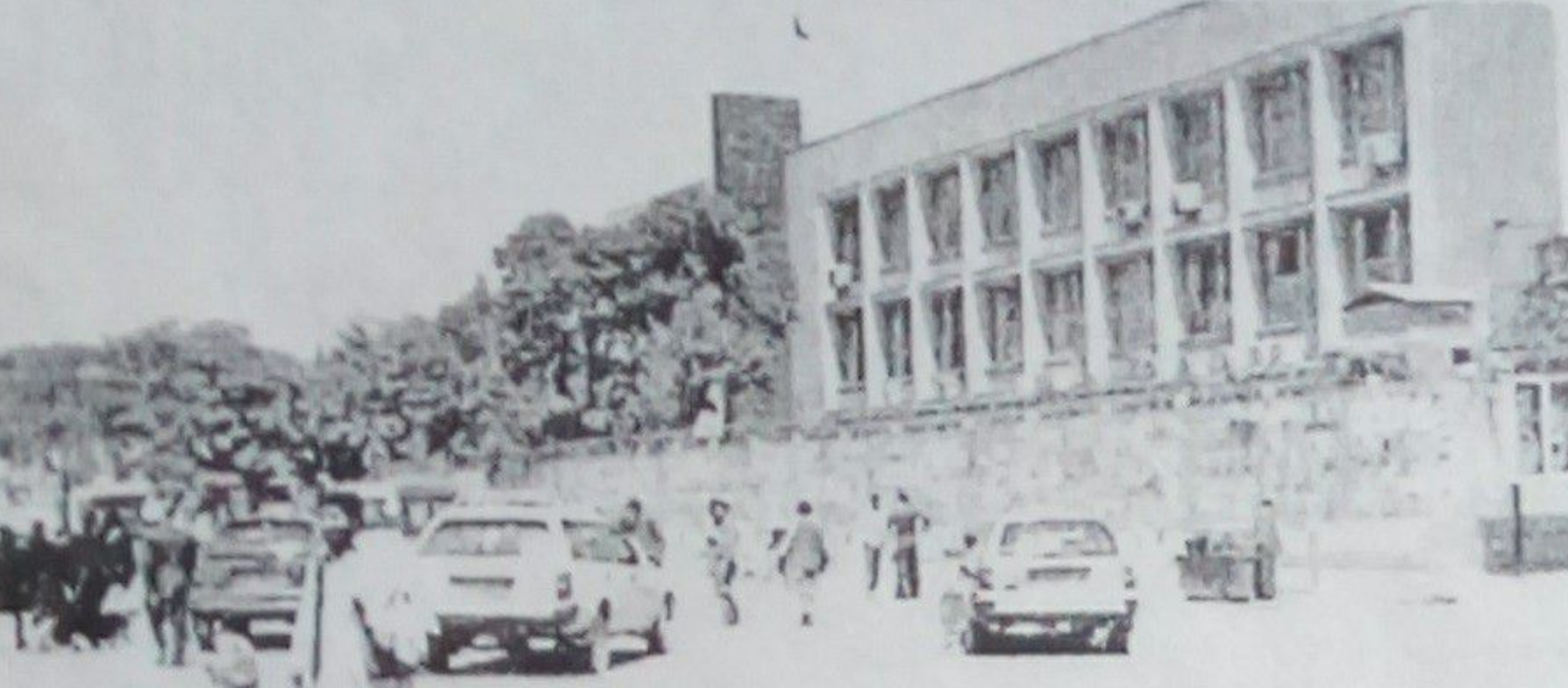
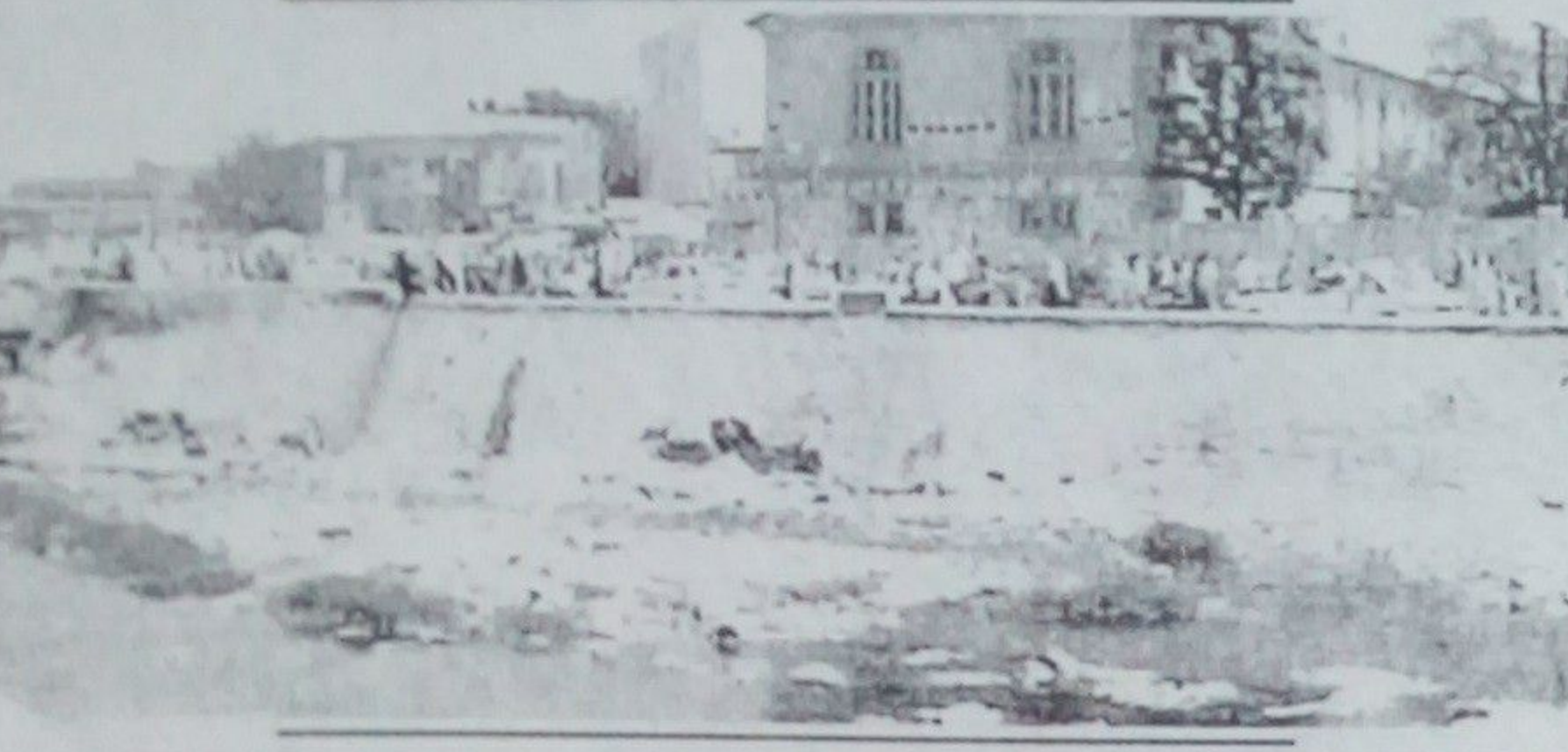
په نامه پښتون غورځيري پري خوشيږي اورنگ زيب هسي بادشاه دي داسلام اورنگ زيب کلونه ټلونه د پښتنو سره په تاوده ډگر کي ککره جنگوله خوا بري يي په نصيب نشو په پای کي يي د پښتنو دکمزوري رگ پيدا کړ او پيسي يي ورته وړاندي کړي او پدي توگه يي ددوي ملاورماته کړه خوشحال خان وايي:

خزاني دهندوستان اخوري شوي سره مهراڼ دي ننوري په کوهسار د حيرانتيا ځاي خود ادي چي د اورنگ زيب روږد خوشحال خان زوي بهرام خان هم له لاري ويوست او د پلار پر ضد يي راولاړ کړ خوشحال خان ددغه منحرف اوبی غیرته زوي په باب وايي:

څوک بهرام غوندي منحوس بد بخت بخيل شي په شامت يي خپل خانه شي تاريخه تاريخه منافق ليم مردود د زمانې شي په خپل پلار سره اغز کاندي کارزار بهرام خان چي په ملبوري د اورنگ زيب طلاوي ترلي وي دخل پلار پر ضد قيام پيل کړ، خو خوشحال خان يي په جگړه کي مات کړ او هغه دتوري او قلم پلار ددغه نا اهله زوي له لاسه نروته وخوت او هلته په ۱۶۸۹ کال مړ شو.

خوشحال خان او اورنگ زيب نن نشته خو ددوي دواړو ځيري تاريخه تاريخه پر پانوسو کي ترسيم شوي دي چي د انصاف په تله پريوه بايد رحمت او پرېالفت وويل شي ځکه پوه اولسونه په ريا کړي تر استبداد لاندې ساتل او بل دهغه استبداد پر ضد توره را پورته کړي وه. ■

هنکامه انتخابات، در و دیوار های برکنار مانده از انبوه کثافات شهر کابل را نیز آلوده نموده است.



گرفته و مردم مان را سه بهانه، دین اردانش و علم محروم مینماید ولی در چند کیلومتری خانه اش در پاکستان از وجود روسی خانه ها و دب گری ها (لواطخانه ها) که برسان در آن کار مینماید، شراب فروشی ها، نمایش قلمهای سکس در سینما های پاکستان و فساد هنرمندان زن و مرد پاکستانی در لالیود ویا شهرک سینمایی پاکستان، خیر نمیشوند؛ که چگونه نیز دختران سینمای پاکستان برای رقص به لندن و فرانسه میروند. و به نماینده گي از کشورشان میرقصند. ولی همین طالب هزاران کیلومتر دورتر به افغانستان برای اسلام خواهی می آید، در کشوری که در زمان حضور روسها نیز کسی جرئت نداشت علنی شراب فروخته، فساد خانه درست نماید. تلویزیون دولتی در آلمان با تمام قوای روسی، آرمان ترویج فساد اخلاقی

پاکستان که برای من تنها از مدرک پشتونها و بلوچها قبایل درک مینماید به یکی از بدترین چالش های آبادانی، اقتصادی و امنیتی مان مبدل شده است. حکومت داران ما همیشه اذعان میدارند که ثبات در افغانستان به نفع پاکستان است ولی هرگز در بی دلیل منطقی این صحبت های خود تیر آمده اند. پاکستان هرگز به ثبات افغانستان علاقه نداشته و اگر هم چیزی بیان کرده، تبلیغاتی بوده است. ثبات افغانستان برای پاکستان حکم زهر را دارد. بسیاری فکر میکنند که بازار های افغانستان و یا منابع طبیعی آن در صورت آرامش، پاکستان را کمک میکند تا وضعیت خود را بهتر بسازد. تجربه عملاً ثابت ساخته، پاکستان در کنار استفاده از این عنصر ها، بیشتر از بحران در افغانستان استفاده میرد. پاکستان بسیار به

روابط با پاکستان

منافع طبیعی ما که چیزی بیشتر از آنها، و بازار های ما که در مقابل نفوس آن کشور و در برابر بازار های داخلی آن ناچیز است، اهمیتی نمیدهد. تنها مشغله، آنان ثبات ماست. این کشور چنانچه بارها گفته ام با تعقیب روش های استعماری، کمپنی هند شرقی در راهی قرار گرفته است که پیامد آن برای این کشور جز تجزیه، نمیتواند چیز دیگری باشد و برای حل آن نیز تنها با اشتراک سایر اقوام ساکن در این کشور آنهم به صورت واقعی در قدرت و تامین منافع حقیقی آنان از تجزیه اش جلوگیری کرده میتواند و پس، در صورتی که چنین جوی بوجود نیاید و

پاکستان به بهانه مبارزه علیه تروریزم...



آی اس آی طالبان را خطر بزرگ ندانسته و گفته است، که پاکستان قصد مبارزه با آن‌ده از طالبان را دارد، که از آنها برای پاکستان خطر احساس میکند و در مقابل طالبانی که برای افغانستان و هند مشکل ایجاد میکنند، بی تفاوت است.

نور الحق علومی، کارشناس مسایل نظامی در رابطه به این موضوع به آژانس ساختر گفته، تاکید آی اس آی بر مذاکره با طالبان می‌رساند، که آن اداره ایجاد گر، تسلیح کننده و سوق دهنده طالبان است.

علومی میگوید، چنین تاکیدات استخبارات پاکستان نباید دور از توقع باشد، زیرا آی اس آی در موجودیت طالبان مفاد خود و حکومت پاکستان را می‌یابد. چنانکه تا کنون تحت نام مبارزه علیه همین گروه میلیون‌ها دلار و وسایل نظامی را حاصل کرده و میکوشد، که این پروسه تا دراز مدت ادامه یابد.

علومی اظهار داشت که احساس خطر استخبارات پاکستان از عملیات هلمند بی مورد و دور از حقیقت است، زیرا این عملیات برای سرکوبی طالبان نه، بلکه بخاطر فرصت دهی برای طالبان است، تا آنها بتوانند به سمت شمال افغانستان بروند، چنانکه در روزهای اخیر شاهد حوادث در آن مناطق بودیم.

نور الحق علومی با تائید نظریات مسوولین اداره او با اظهار می‌دارد که پاکستان از طرف آنده جنگ با طالبان است، که خاص آنها را

پاکستان موجود بود و بلوچها تاکید بر استفاده از نفت و گاز بلوچستان، در بلوچستان دارند، نه در پنجاب و سایر نقاط آن کشور. وی گفت، قبلاً پاکستان به امریکا تعهد سپرده بود، که با آغاز عملیات در هلمند عساکر خود را غرض جلوگیری از نفوذ طالبان در بلوچستان، در سرحدات جابه جا میکند، اما اکنون مشکل مالی میان دو کشور مذکور ایجاد شده، پاکستان در این مساله صادق نموده و میخواهد با استفاده از این گونه نیرنگها کمک بیشتر مالی حاصل نماید. و حید مزده عملیات هلمند را موفق ندانسته و خلاف نظر برخی کارشناسان، نا آرامی های شمال افغانستان را با این عملیات مرتبط نمیداند.

وی میگوید که طالبان ماه ها قبل با نشر اعلامیه ها از راه اندازی فعالیتهای نظامی در شمال افغانستان در سال روان خبر داده بودند و حتی یک تعداد افراد خود را منحیث مسوول در بعضی ساحات شمال معرفی نموده بودند. و حید مزده اضافه کرده میگوید:

افغانها از قبل این موضوع را میدانستند و اظهار میکردند، که مورد توجه جهانیان قرار نمیگرفت، اما اکنون همه پی برده اند، که کلید مشکلات در کجاست و پاکستان نباید برف بام خود را بالای بام دیگران بیاندازد و همچنان جامعه جهانی و امریکا بجای مدارا با آن کشور فشار بیشتر را وارد سازند، تا صادقانه در مبارزه علیه تروریزم گام بردارد. ■

اس آی را بر مذاکره با طالبان از زاویه دیگر نگریسته بر علاوه که آنرا بی اساس میداند میگوید، بدون شک هلمند در نزدیکی بلوچستان قرار دارد و سالهای قبل، افغانها و مجاهدین به بلوچستان رفت و آمد داشتند و

کمپ های مهاجرین در آنجا بود، اما این به آن منتهی نیست، که با آغاز عملیات در هلمند، طالبان به بلوچستان میروند.

مزده میگوید، قبلاً از عملیات هلمند و حتی از سالها قبل مشکل میان بلوچها و حکومت

بخاطر افغانستان تربیه و آموزش نموده احساس خطر نداشته و خواهان مذاکره است، اما با آنده که در ضدیت با حکومت پاکستان قرار دارد، میخواهد مبارزه کند.

و حید مزده کارشناس سیاسی افغان، تاکید آی

شرکت مخابراتی روشن با برنامه...

شرکت مخابراتی روشن دعوی را در لوی خرنوالی و همین گونه در اداره (اترا) وزارت مخابرات و تکنالوجی معلوماتی به راه انداخته ایم که دوسیه نسبتی ما علیه شرکت روشن در اداره اترا در حال جریان است.

بعید از امکان نیست که شرکت مخابراتی روشن به محکمه بین المللی به خاطر تقلب کاری ها و فریب کاری هایش معرفی گردد و این شرکت لغو گردد. ■

شرکت روشن و برنامه های آن بود. متأسفانه که این برنامه کاملاً دروغ بوده و برای فریب مردم و مشتریان روشن و اختلاس پول مردم به شکل غیر مستقیم، ارائه شده بود.

باید تذکار داد که چون تعداد کثیری از مشتریان روشن از این طریق فریب خورده اند، ما به خاطر اعاده حقوق تلف شده کسانی که فریب خورده اند و هم اعاده حقوق ضایع شده خود ما، بالای مسوولان

توضیح مطلب این است که، شرکت مخابراتی روشن به ماسبت سال نو مسابقه ذهنی را زیر نام نوروز را با روشن تجلیل کنید و برنده کربلا شوید، راه اندازی نمود.

این مسابقه طوری بود که مشتری به جواب سوال های که در برنامه روشن اشتراک میکرد جواب ارائه میداد، البته این سوال ها راجع به مسایل ادبی، اجتماعی، تاریخی، جغرافیا و معلومات راجع به

سال ۱۳۷۹ ترک کرد و از طریق کشور پاکستان به کشور انگلستان در سال ۲۰۰۲ رفته و آنجا پناهنده شده است که یک پای آن نیز معیوب میباشد. از همان زمان تا کنون در خانه های کرابی با سیار مشکلات حیات به سر

مشکلات اجتماعی مردم
اینجاب ثریا، خاتم غلام بحیی قادری هستم. شوهرم در زمان طالبان که در دواخانه کار می کرد از طرف طالبان مورد شکنجه قرار گرفت و ناگزیر کشور را در

آرزو های مردم بدون شک...



میگردند، از همه کس اعتماد شان را بریده اند. از زبان هر هموطن به استثنای اشخاص، افراد و دوستان شخصی کاندیداها گفته میشود، اگر من رأی بدهم و یانه، کسی درین پست انتخاب و یا تعیین خواهد شد.

با در نظر داشت تذکار فوق که گفته آمدیم انتظار می‌رود تا مردم اگر بتوانند شخصیت های محترمی که خود ها را کاندیدای پست ریاست جمهوری نموده اند، با اعتماد سازی مجدد مردم را در روند مسوولیت پذیری برای اشتراک در انتخاب رئیس جمهور آینده ترغیب نمایند، تا از بی تفاوتی و دل‌سردی موجود که هر کدام (بسه من چی بگویند) کاسته شود. ثانیاً ایجاب مینماید، تا لقمه نانی که از کمک های خارجی و یا عواید داخلی بدست می آید، عادلانه توزیع نمایند، تا دیگر مردم رهبران سیاسی شان را به دیده شک و تردید ننگرند. ■

شک شریفانه و معقول است، پایه پای مردم حرکت کرده در برطرف ساختن مشکلات مردم یکی بی دیگر اقدام لازم نماید، هیچگاهی چنین نشده است. این بار هم تعدادی از شخصیت ها بار دیگر روی بازار سیاست چنه میزنند و مردم را تشویق و ترغیب می نمایند، تا هنگام رأی دهی، رأی شان را به نفع آنان بریزند. با توجه به سالهای پیشین که هیچکس، هیچ نظام و هیچ حکومت به خواست های معقول شان پاسخ مثبت نداده است، همه افراد و اشخاص ارکان ثلاثه در امتیاز گیری مقام اول و در خدمت گزاری در صف اخیر و حتی ناکام بوده اند. بعید به نظر میرسد تا مردم با شور و شعفی که در گذشته ها در کارزار سیاسی سهم می‌گرفتند، این بار هم مکلفیت و مسوولیت خویش را ادا نمایند. مردم به همه کس به دیده شک و تردید

QALAM

صاحب امتیاز: انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان
رئیس انجمن: حیات الله «بخشی» ۰۷۹۹۳۱۳۸۲
مدیر مسوول: مصطفی «عمرزی» ۰۷۹۹۸۸۴۲۶۵ mustafa_omarzai@yahoo.com
ذکر نظر گروه دبیران به چاپ میرسد.
آراء و اندیشه ها به نویسنده مطلب تعلق دارد.
مسوولیت نوشته ها به دوش نویسنده است.
قلم در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مضامین وارده دوباره مترد نمی گردد.
قلم از قلم به دست دعوت به همکاری مینماید.
بهای یک شماره پنج افغانی
دیزاین و چاپ: مطبعه طباعتی و صنعتی محسنی ۰۷۰۰ ۶۷۳۳۴

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**